

گُردها و عراق پس از صدام*

پیتر گالبرایت

در زویتا در عراق، نیروهای نظامی خود را برای تهاجم آمریکا آماده می‌سازند. سربازان در حالی که تفنگهای نو و براق ای کی - ۴۷ را بردوش خود حمل می‌کنند و لباسهای استتار بر تن دارند در محوطه‌ای که برای سان و رژه تدارک دیده شده، هوشمندانه رژه می‌روند. در همان حوالی، پرچم سه رنگی با نشان خورشید در اهتزاز است که تعلق به سرزمینی دارد که آنان برای دفاع از آن تعهد سپرده‌اند. سربازان حین عبور از جایگاه، نام آن سرزمین یعنی کردستان را فریاد می‌کردند. کردستان در هر نقشه‌ای که آمریکا برای عراق داشته باشد به عنوان یک برگ برنده مطرح است منتهی برگ برنده‌ای که کنترل آن دشوار

است. گُردها که از زمان شورش نافرجام خود در پایان جنگ خلیج فارس تحت حمایت هواپیماهای اف - ۱۶ آمریکایی قرار دارند امروزه بر سرزمینی در داخل عراق حاکم هستند که وسعتی معادل ایالت ورمونت در آمریکا دارد و در طول مرزهای شمالی عراق با ترکیه از سوریه تا ایران امتداد دارد. کردستان با داشتن پنج فرودگاه، شبکه راههای داخلی گسترده و فاصله تنها ۱۰۰ مایل بایبغداد، پایگاهی بالقوه برای عملیات در اختیار برنامه‌ریزان نظامی آمریکا

*. متن حاضر ترجمه مقاله‌ای است با مشخصات زیر:

Peter W. Galbraith, "The Wild Card in a Post-Saddam Iraq," Boston Globe Magazine, Dec 15, 2002.

قرار می‌دهد. کردها برخلاف دیگر متحدین بی‌میل آمریکا از جمله عربستان سعودی و ترکیه، هیچ تردیدی در حمایت از ایالات متحده در جنگ علیه دیکتاتوری ندارند که او را مسئول قتل بیش از ۱۰,۰۰۰ تن از هم‌نژادان خود می‌دانند. مهم‌تر از آن اینکه کردها دارای امکانات نظامی قابل ملاحظه‌ای هستند. ارتشی که من شاهد آموزش آن در ماه ژوئیه در زویتا بودم تحت فرماندهی مسعود بارزانی رهبر یکی از دو حزب سیاسی کرد قرار داشت که شمال را به دو دولت کوچک تقریباً یک اندازه تقسیم کرده‌اند. حزب دموکرات کردستان به رهبری بارزانی قادر است ۴۵۰۰۰ نیروی منظم را، البته مجهز به اسلحه سبک، به میدان عملیات بفرستد. جلال طالبانی، رهبر اتحادیه میهنی کردستان نیرویی تقریباً مشابه را از سلیمانیه، شهری در نزدیکی مرز با ایران فرماندهی می‌کند. اتحاد شمال افغانستان - که می‌لشیا‌های گرد اغلب با آن مقایسه می‌شوند در آغاز عملیات نظامی سال گذشته برای ساقط کردن طالبان تنها ۵۰۰۰ نیرو در اختیار داشت.

کردستان (عراق) تقریباً دارای ۴ میلیون نفر جمعیت است که تقریباً هیچ‌یک از آنها نمی‌خواهند عراقی باشند. برای جرج بوش که صحبت از یک عراق دموکرات و متحد به دنبال خلع صدام حسین می‌کند، این امر معضلی به وجود می‌آورد. چگونه می‌توان عراقی

دموکراتیک بنا نهاد هنگامی که بخش بزرگی از جمعیت ۲۲ میلیون نفری این کشور می‌خواهند هیچ کاری با این کشور نداشته باشند؟

رؤیاهای کردها کابوس ترکیه است. پانزده سال از ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۹ طول کشید تا ترکیه توانست شورش در منطقه جنوب شرقی خود را که اکثراً کردنشین است، سرکوب نماید. ارتش ترکیه از این بیم دارد که ایجاد دولت دارای حاکمیت کردستان در شمال عراق احساسات جدایی‌طلبانه را در ترکیه مجدداً شعله‌ور سازد و هشدار داده است که در صورتی که کردهای عراق اعلام استقلال نمایند به مداخله نظامی دست خواهد زد. ایران و سوریه که هریک دارای اقلیتهای بزرگ‌گرد هستند از حمایت از کردهای عراق به عنوان وسیله‌ای برای بی‌ثبات‌سازی رژیم صدام حسین خشنودند، اما از موفقیت بیش از اندازه کردها بیمناک می‌باشند. همچنین، بسیاری از اعراب حمایت آمریکا از کردها را بخشی از توطئه آمریکابرای تضعیف جهان عرب از طریق تجزیه عراق تلقی می‌کنند و میان حمایتشان از حق تعیین سرنوشت برای فلسطینیها و در عین حال سلب این حق از کردهای عراق هیچ‌گونه تناقضی مشاهده نمی‌کنند. بوش برای جلوگیری از اینکه کردستان باعث بی‌ثباتی در منطقه شود باید اعتماد خود کردها را جلب کند. این کار آسانی نخواهد بود. او مجبور خواهد بود کردها را متقاعد سازد که آینده آنها باید در

نقش ناتو در حمله به عراق

معاونت سیاست خارجی و روابط بین‌الملل

شاید یکی از حساس‌ترین مقاطع در دوران عمر «ناتو» و در طی بیش از نیم قرن گذشته دوره پس از حوادث ۱۱ سپتامبر بوده باشد. «ناتو» برای اولین بار با استناد به ماده ۵ منشور خود تصمیم به اعلام حمایت از آمریکا در قبال تهدیدات تروریسم بین‌الملل نمود. معهدا آمریکا در اقدام نظامی خویش در افغانستان و در مبارزه با شبکه القاعده تقریباً «ناتو» را نادیده گرفت. با توجه به نزدیک شدن عملیات نظامی آمریکا در عراق و در پی اجلاس اخیر سران «ناتو» در پراگ در محافل بین‌المللی این سؤال مطرح گردیده که آیا این بار نیز آمریکا همچنان ترجیح خواهد داد که به‌طور مستقل و خارج از چارچوب «ناتو» به مسئله عراق بپردازد؟

«ناتو» در یک واکنش سریع و حدود ۲۴ ساعت پس از وقوع حوادث ۱۱ سپتامبر برای اولین بار ماده ۵ منشور این اتحادیه را که به موجب آن حمله به یکی از اعضای این اتحادیه، حمله به همه اعضا تلقی می‌شود برای حمایت از آمریکا به مورد اجرا گذارد. معهدا، این اقدام فقط جنبه نمادین یافت زیرا آمریکا ترجیح داد به جای تلاش برای برقراری هماهنگی میان متحدین «ناتو» به تنهایی و با حمایت انگلستان اقدامات نظامی را در افغانستان به عهده گیرد. در نتیجه، در عملیات نظامی در افغانستان ۹۰ درصد پروازهای نظامی و ۹۹ درصد بمبارانهای دقیق توسط خود آمریکاییها انجام شد. این رویکرد آمریکا نسبت به «ناتو» را می‌توان نتیجه عوامل زیر برشمرد:

- آمریکاییها از عملیات «ناتو» در بالکان که در واقع اولین عملیات نظامی «ناتو» در تاریخ این اتحادیه به‌شمار می‌رود خاطره خوبی ندارند. زیرا علی‌رغم موفقیت نهایی «ناتو» در این عملیات که قسمت اصلی نیروهای نظامی را آمریکاییها وارد عمل نمودند، مع‌هذا

پیوند با کشوری باشد که علیه آنها سلاح شیمیایی به کار برده است و به نسل‌کشی آنها پرداخته است. او نیاز بدین خواهد داشت که با رهبرانی کرد همکاری کند، رهبرانی که سابقاً دشمن خونین یکدیگر بوده‌اند و اینک سعی در همکاری با یکدیگر دارند، اما ممکن است بر سر غنائم ناشی از پیروزی یک متحد با یکدیگر نزاع پیداکنند. همچنین او باید بر میراث سوءظن آمریکاییها و تفاوتیشان در زمینه برخورد با کردها فائق آید. یکی از این موارد تصمیم پدر او به فاصله گرفتن از شورش کردها بود، شورشی که به تشویق خود او صورت گرفته بود.

هم‌اکنون کردستان جداگانه‌ای وجود دارد که مردم آن از روی میل دست از آن نخواهند کشید. چند ماه قبل، من به شمال عراق سفر کردم تا دریابم کردستان امروزه در چه وضعیتی به سر می‌برد و با رهبرانش به صحبت بپردازم. این نهمین بازدید من از این منطقه از سال ۱۹۸۴، اما نخستین آن از نه سال پیش بدین سو بود. کردها مانند دیگران در خاورمیانه بحثهای خود را درباره آینده با پرداختن به گذشته شروع کردند. اما آنها تاریخ چند صد ساله خود را مرور نکردند بلکه بحثهای خود را با حکومت دیکتاتور عراق صدام حسین شروع کردند.

در سپتامبر ۱۹۸۰، صدام حسین به صورتی غافلگیرانه به ایران حمله کرد با این امید که آشوب و هرج و مرج ناشی از انقلاب و بحران